

انتخابات دوره هفتم مجلس ارتجاع را تحریم می کنیم

بولتن خبری ایران نبرد(266)- پنج شنبه 11 دی 1382- 1 ژانویه 2004
<http://www.iran-nabard.com>

اخبار، گزارشها و تحلیلهای - ایران و تحولات عراق
اخبار کارگران و مزد بگیران ایران را در ایران نبرد بخوانید

کنسرت شهرام ناظری برای زلزله زدگان بم در پاریس- برای اطلاع به سایت زیر مراجعه کنید

<http://www.pouya.org>

زلزله بم- فاجعه ملی

بیش از 50 هزار نفر در زلزله کشته شده اند
چهارشنبه 10 دی 1382- 31 دسامبر 2003

عضو ستاد بحران مستقر در منطقه زلزله زده بم گفت: آخرین آماری که در خصوص کشته شدگان زلزله به این ستاد مخابره شده، بیش از 50 هزار نفر کشته است. به گزارش خبرنگار اعزامی ایلنا به بم، رضا رجایی، عضو ستاد بحران مستقر در بم خاطرنشان کرد: وزارت کشور و نهادهای مسئول نمی توانند آمار دقیقی از میزان کشته شدگان اعلام کنند. وی افزود: جمعیت شهر بم را با توجه به نقطه کانونی زلزله و میزان پراکندگی جمعیت محاسبه کنید تا به آمار تقریبی تلفات دست پیدا کنید. رجایی ادامه داد: چیزی که به ما اعلام کرده اند این است که میزان کشته شدگان به بیش از 50 هزار نفر رسیده است. عضو ستاد بحران مستقر در بم همچنین در خصوص وضعیت امنیت این شهر گفت: امنیت در شهر بم برقرار نیست و فروشگاههای مواد غذایی توسط مردم زلزله زده شهر غارت می شوند. رضا رجایی، خاطرنشان کرد: نیروی انتظامی در اوایل استقرار خود در گیر ورود و خروج مردم به شهر بوده است. گزارش خبرنگاران ما حاکی است، چادرهای نیروی انتظامی در میدانی اصلی شهر برپا است و در هر چادر نیروی انتظامی، معمولاً چند سارق دستگیر شده، حضور دارند. گفتنی است؛ در برخی نقاط شهر بم امنیت برای مردم و خبرنگاران وجود ندارد و این وضعیت در حواشی شهر بیشتر به چشم می خورد. پایان پیام

من راه خانام را گم کرده ام آقا!

گزارش از مهدی نیاکي- چهارشنبه 10 دی 1382- 31 دسامبر 2003

نخل های ایستاده، نخستین نشانه های حادثه، میدان ورودی شهر، کانکس هلال احمر، تابش نور آفتاب بی رمق عصر بر پنجره های تیره و کدر، خطی شکسته و کج بر کاغذی چسبیده پشت پنجره کانکس هلال احمر: "ماسک نداریم!" در ورودی شهر زلزله زده نخستین چیزی که به چشم می خورد برخی خانه های استوار و آسیب ندیده در کنار حجم عظیم ویرانی هاست. خانه هایی آجری که احتمالاً پایه های محکم تری از خانه های دیگر داشته اند. این خانه ها که اکثراً با آجرهای سه سانتی ساخته شده اند آسیب بسیار بسیار کمتری دیده اند. گشت و گذار در شهر به تدریج روشن می کند که همه چیز آشفته است. امدادگران، متولیان برقراری امنیت، بازماندگان، حتی مردگانی که زیر آوار مانده اند وضعی به هم ریخته دارند. گروهی از امدادگران در حال بازگشت هستند. شنیده ام در برخی نقاط به دلیل عدم وجود امدادگر، کودکان 10-15 ساله کار بیرون کشیدن اجساد زیر آوار را انجام داده اند. می پرسیم: "چرا بر می گردید؟ یک امدادگر در حال دویدن پاسخ می دهد: "خارجی ها آمده اند و دارند خوب کار می کنند. ما امکانات نداریم. هیچی نداریم. حضورمان بی فایده است." همان ابتدای ورود به شهر می فهمی که جستجو برای یافتن اخبار موثق بی فایده است. هر چه هست مرگ است و ویرانی. اجساد زیر آوار و یا بر زمین مانده در سرما و گرمای کویری بم، باد کرده اند و در حال تجزیه شدن هستند. بوی تعفن پیچیده در شهر تنفس را مشکل کرده است. ورود به منطقه بهشت زهراي بم عمق فاجعه را آشکار می کند. صدای خشن حدود بیست و پنج جرتقیل در حال خاک برداری و حفر گورهای دسته جمعی گوش را پر می کند. صدای ناله بازماندگانی که بر مزار عزیزان خود نشسته اند، در صدای جرتقیل گم شده است.

جنازه هاي انتقال يافته به بهشت زهرا، پيچيده در پتو به ترتيب روي زمين چيده مي شوند تا كار تدفين آنان انجام مي گيرد.

روحانيون حاضر در بهشت زهرا گره پتوها را باز مي كنند تا جنسيت كشته شده را مشخص كنند. مردان را يك روحاني مرد و زنان را يك خانم حاضر در محل با خاك غسل مي دهند. روحانيون كف دست را به حالت تيمم بر خاك مي كشند و بر صورت و دست اجساد مي كشند. خبرهايي شنيده مي شود كه پيش از حضور ما در بهشت زهرا، حاضران با مشاهده حرکات ي از يك جسد كفن شده و در حال دفن متوجه زنده بودن وي شده اند. گورهاي دسته جمعي آماده است. دو سر كفن را مي گيرند و جنازه ها را به گورها مي سپارند.

گورهاي اجساد ي كه قبلا دفن شده اند توسط خانواده هايشان نشانه گذاري شده اند. شاخه هاي درختان را بر گورها گذاشته اند تا محل دفن عزيز خود را گم نکنند. شاخه هاي درختان كه براي نشانه گذاري بر گورها نهاده شده آنقدر زياد است كه از خود مي پرسى : "آيا اين نشانه ها براي گم نکردن قبور كافي است؟"

بر يك گور دسته جمعي، لنگه در يك خانه را نشانه گذاشته اند. دور گورها را آجر كشيده اند و اكثرًا سطح آن را با سيمان پوشانده اند و به خط خود اسامي دفن شدگان را نوشته اند. بر روي يك گور دسته جمعي اين نوشته ها به چشم مي خورد: "هوالباقى، بسم الله الرحمن الرحيم" مريم، معصومه، عباس، مسعود، صادقي يزدي".

پيرمردي كه مشغول مرتب کردن آجرهاي اطراف گورهاست به تسليت ما پاسخ مي دهد. همه مي خواهند حرف بزنند. از هر كس جمله اي مي پرسى يك كوله بار براي حرف مي زند. كافي است باب صحبت را باز كني. همه چيز مي گویند هر چه بردل دارند. تمام حرفهايي كه گويي اشك هاي نريخته اند. پيرمرد هم به حرف مي آيد وقتي

مي پرسيم: "چه شده است پدرجان شما چند نفر را از دست داده ايد!".
مي نالد پيرمرد: "اينجا برادر باحناق من خوابيده، اينجا باحلاقم، اينجا پدرعالم، اينجا مادر عالم...
خيالمان گويي كمي تسكين مي يابد. لابد پيرمرد از خانواده خود كسي را از دست نداده. يك لحظه مكث مي كند. يك قدم از روي قبر آنسوتر مي گذارد و مي گوید: "اينجا هم عالم خوابيده، اينجا هم 5 تا از بچه ها م...!"

معلوم است كه بعد از اين بايد از او بشنوي "كاش خودم هم رفته بودم." پيرمرد بقول خودش براي "پرسه" يعني مجلس ختم يكي از اقوامش از شهر بم خارج شده و روز جمعه خبر را از تلويزيون شنيده و خود را به شهر رسانده. بغض در چشمهايش شعله مي كشد. گره اما نيست. خانه اش كاملا بر اثر زلزله وارونه شده و سقف خانه به جاي پي قرار گرفته است. لبخندي به تلخي مي زند و مي گوید:

"خدا خانه ام را شخم زده، مي خواهد بذر بپاشد!"
سربازي آنسوتر اشك مي ريزد. در محل خدمت بوده كه خبر را شنيده. تسليت را كه مي شنود، مي گوید "من ديگر هيچكس ندارم. 5 خواهرم و دو برادرم اينجايند، مادر و پدرم هم... هيچكس را ندارم ديگر!"

در حال عبور از درون شهر هستيم كه امدادگران خارجي را مي بينيم. پياده مي شويم. سگهاي زنده ياب و امدادگران با لباس هاي مخصوص نارنجي رنگ به كندي قادر به انجام كاري هستند. چرا كه مترجم ندارند. در حياط خوابگاه دانشجويي "به مفيد" ايستاديم. خوشبختانه روز جمعه تعطيل بوده و دانشجويان در خوابگاه نبوده اند. تنها جستجوگران در پي جسد سرايدار هستند كه نزديك غروب سرانجام جسد او را از اتاقك سرايداري بيرون مي كشند.

مردم در حال مهاجرت از شهر ديده مي شوند. پيرمردي ايستاده در ترافيك سنگين خيابانهاي شهر از پشت فرمان خاوري كه اثاث خانه خود را در آن با حمل كرده نگاه هم مي كند و سر تكان مي دهد. مي پرسم: "كجا مي رويد؟"

شيشه را پايين مي كشد و مي گوید: "داريم جمع مي كنيم و از شهر مي رويم، بمائيم كجا؟"
حدود غروب كامبوني حامل پتو از هلند به شهر مي رسد به محض ورود مردم آنقدر به دنبال ماشين مي دوند تا به آن مي رسند و از آن بالا مي روند. پتوها از ماشين در حال حركت به سطح خيابان پرت مي شوند و مردم به سمت آن هجوم مي برند.

در گوشه اي ديگر جمعيتي انباشه روي هم در قسمت باري يك نيسان به چشم مي خورند. مردم هنوز دارند از دست و پاي هم بالا مي روند و توده جمعيت افتاده روي هم انباشه تر مي شود. نپرسيده معلوم است نيسان حاصل چيست؛ مواد غذايي!

در يكي از ميدان هاي شهر مرد ي بيل به دست در حال شخم زدن چمنهاست، آرام و بدون حرف آجرها و زباله ها را از روي چمن برمي دارد.

هنگام بازگشت از بم خبر رسيد يك كودك 3 ساله را پس از 72 ساعت از زير آوار زنده بيرون كشيده اند. اينها احتمالاً از معدود نشانه هاي وجود زندگي در اين شهر مرگ زده است. شهري با ديوارهاي فرو ريخته و خانه هاي ويران.

اعضاي ستاد بحران به خبرنگاران توصيه مي كنند مواظب وسايل خود باشند. مي گویند احتمال سرقت دوربين ها و واكمن ها وجود دارد. به خانم ها توصيه مي كنند هنگام غروب به ستاد برگردند. توصيه مي كنند كوله ها و كيفها را در ستاد بگذاريم و بعد به ميان شهر برويم.

شهر مرده دارد تجزیه می شود اهالی بم می گویند بیشتر کسانی که در اینجا حضور دارند از اهالی بم نیستند و از روستاها و شهرهای اطراف آمده اند. و گرنه از مردم اینجا، تعداد زیادی باقی مانده اند. شهر نا امن است و چادرهای نیروی انتظامی مستقر در نقاط مختلف شهر، شاهد دستگیری سارقان به اموال مردم هستند. به چهره های دستگیر شدگان نگاه می کنم. نمی دانم احتیاج آنان را به این وضع کشانده یا رذالت!
ساکنان شهر اما گویی هنوز در حیرت حادثه اند. به نظاره عملیات امدادگران می ایستند و اخبار را به هم می گویند. در کار جستجوی اجساد دخالت نمی کنند. واقعه را تماشا می کنند تا مگر مرده یا زنده ای را از چنگال اوار نجات دهند.
یک جوان که مانند بسیاری دیگر گوش شنوایی برای گفتن می طلبید بی پرسش و حرف شروع به گفتن می کند: "من اهل همین جا هستم اما در دو سه روز اول سه بار راه خانه ام را گم کردم آقا! چرا بم اینطور شد؟!...."
پایان پیام

کودکان آوار در چادرهای همسایه

چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

یک هزار و 500 کودک بی سرپرست در بم پیدا شده اند، بی سرپرست شدن این کودکان یکی دیگر از بلاهایی است که زلزله به همراه خود به بم آورده است.
به گزارش خبرنگار اعزامی ایلنا به بم، نماینده توانبخشی در ستاد بحران گفت: کودکان بی سرپرست که خانواده های خود را از دست داده و اغلب اعضای خانواده آنان زیر آوار مانده اند، امروز کوچکترین مظلومترین بازماندگان حادثه بم هستند.
در حالی که امروز به پایان نخستین هفته حادثه بم نزدیک می شویم و شبها در سرمای بم، چادرنشینان از سرما می لرزند، این کودکان آواره و تنها در خیابانها دیده می شوند.
چند روزی است که بهزیستی با کمک نیروهای داوطلب، اقدام به ایجاد ستاد جمع آوری کودکان بی سرپرست نموده است.
دکتر شهبازی، نماینده توانبخشی در ستاد بحران با بیان این مطلب به خبرنگار اعزامی ایلنا، گفت: گروههای مددکاری و روانشناسی در شهر بم مشغول به کار هستند، در این اکیپها 40 مددکار و 12 روانشناس، در قالب گروههای 2 یا 3 نفره مشغول به گشت زنی هستند.
وی در ادامه افزود: این اکیپها تاکنون 10 کودک بی سرپرست را پیدا کرده اند که این کودکان اکنون به مراکز شبانه روزی نگهداری کودکان بی سرپرست در شهر کرمان، تهران و سایر شهرها منتقل شده اند. شهبازی خاطرنشان کرد: علاوه بر کودکان بی سرپرست، تعدادی از افراد سالمند بی سرپرست نیز توسط این گروهها شناسایی شده و به مراکز نگهداری اعزام می شوند.
نماینده توانبخشی در ستاد بحران در بخش دیگری از سخنان خود گفت: نیازسنجی وضع خانوادههای ساکن در بم و همچنین بررسی شرایط بهداشت روانی نیز از دیگر وظایف اکیپهای مددکاری است. غم فراگیر زلزله بم، در چهره تک تک بازماندگان این حادثه دیده می شود و شاید بازماندگان این حادثه هرگز نتوانند برای تسکین آلام خود مجلس ترحیمی را برای از دست رفتگان در این شهر ویران، برگزار کنند.
با این حال اکیپهای مددکاری بهزیستی و نیروهای داوطلب به یاری مصیبزدگان شتافته اند. به گفته یک مقام مسئول تاکنون 1500 کودک بی سرپرست در شهرستان بم پیدا شده اند، برخی از این کودکان توسط تعدادی از همسایهها و اقوامشان در این شهر که هنوز زنده هستند، نگهداری می شوند. آنان در چادرهای همسایه زندگی کرده و هر روز بر ویرانههای خانه خویش نظاره می کنند و آنهایی که هیچ کس را ندارند، با کمک امدادگران بهزیستی به مراکز نگهداری بهزیستی منتقل می شوند.
به گفته یکی دیگر از مقامات مسئول، دیروز 70 خانواده که از کودکان بی سرپرست در شهر بم نگهداری می کنند، شناسایی شده است، این 70 خانواده که خود در چادرها و یا مراکز اسکان موقت زندگی می کنند، سرپرستی کودکان بی سرپرست را برعهده گرفته اند، اغلب این افراد، از خانوادههای نزدیک کودکان هستند.
پایان پیام

عدم همکاری مسوولان ایرانی فرصت نجات را از دست ربود

چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

گزارش از عظیم فضلی پور

گروه های امداد و نجات که از کشورهای مختلف جهان برای کمک به زلزله زدگان بم به ایران آمده اند، از نبود مترجم و راهنما در شهرستان بم گلایه کردند.
به گزارش خبرنگار اعزامی ایلنا به مناطق زلزله زده، در حالی که لحظه لحظه زمان در چنین شرایطی حایز اهمیت بود، عدم حضور راهنما و مترجم "فرصت طلایی نجات" را از دست امدادگران خارجی گرفت. گروه جستجوگران بدون مرز متشکل از 8 نفر که به همراه 4 فلاده سگ زنده یاب از فرانسه به بم آمده بودند، از معطلی چندین ساعته در فرودگاه مهرآباد و نیز فرودگاه کرمان بسیار شکایت داشتند.

باسکل سرپرست گروه که در حوادث زلزله نیجریه، هند و نیز زلزله اخیر ترکیه حضور داشته است، بی‌نظمی و سردرگمی در بمر را بسیار ناراحت کننده توصیف کرد و با افسوس گفت: اگر راهنما و مترجم همراه بود بدون شک به نتایج خوبی دست می‌یافتیم.

دوشنبه بعدازظهر در حالی که خبرنگار اعزامی ایلنا به عنوان مترجم همراه گروه نجات باسکل شد، در محلی که به گفته اهالی مدرسه بوده است کار جستجو را آغاز کرد. پس از گذشت لحظاتی جسد سرایدار مدرسه از زیر آوار بیرون آمد.

پس از گذشت چند دقیقه "دومینیکو" سرپرست گروه اول جستجوگران فرانسوی از طریق بی‌سیم خبر خوشی را به "باسکل" رسانید.

جمله خیلی ساده، دلگرم کننده و امید بخش بود: "باسکل، سگ‌ها پارس می‌کنند".

در حالی که آسمان غم گرفته بمر چادر سیاه را بر تن می‌کرد، خبرنگار ایلنا دو آمبولانس هلال احمر را به توصیه "باسکل" متوقف کرد و از آنها خواست برای روشن کردن منطقه آنها را همراهی کنند.

به محض رسیدن گروه به خیابان فخاری در شرق ارگ قدیم بمر، گروه کار خود را آغاز کرد. البته تندی برخورد یکی از امدادگران نظامی کار جستجو را برای دقایقی متوقف کرد.

زمانی که سگ جستجو یاب پس از چند لحظه جستجو شروع به پارس کردن کرد: چشمان باسکل و دیگر اعضای گروه به روشنی درخشید.

بلافاصله گروه آن نقطه را کندوکاو کردند و یک خانواده 4 نفره از زیر آوار بیرون آمد.

در حالی که پدر و مادر و دختر بچه 2 ساله خانواده جان باخته بودند نفس گرم دختر بچه سه ساله نوید حیات می‌داد.

باسکل که سرازیا نمی‌شناخت دختر بچه را از زیر آوار بیرون کشید و پس از معاینه اولیه آن را تحویل گروه‌های امداد هلال احمر داد.

باسکل که تجربه‌های زیادی را پشت سر گذاشته است گفت: در ترکیه که زلزله مهیب رخ داد ما فعالیت خود را به همین شکل آغاز کردیم و در آنجا کار ما بسیار هماهنگ و منظم بود و ما مشکل چندانی نداشتیم در حالی که در ایران نمی‌دانیم باید چگونه اطلاعات مفید را دریافت کنیم و چگونه اقدام کنیم.

خانم "وان دورم" سرپرست گروه سگ‌های زنده یاب که از هلند به بمر آمده است نیز از فقر اطلاعات و عدم وجود مترجم و راهنمای دقیق در شهر گلایه کرد.

"وان دورم" به همراه 8 نفر دیگر که به مدت 4 روز کار جستجو را در بمر ادامه داده است گفت: افسوس می‌خورم که زمان را از دست دادیم و سگ‌های ما حتی برای یک بار هم پارس نکردند و نتوانستیم کسی را زنده از زیر آوار نجات دهیم.

وی که تجربه 2 زلزله اخیر ترکیه را در کوله بار خود داشت گفت: زلزله بمر بسیار وحشتناک بود چرا که وضعیت ساختمان سازی در اینجا بدون هیچ پایه و اصولی بوده و مصالحی که به کار رفته اند مصالح مستحکمی نبوده است.

وی با تقدیر از زحمات سازمان ملل برای انجام هماهنگی گفت: چیزی که بیش از هر چیز گروه 9 نفره ما را آزار داد، عدم هماهنگی در بمر و سردرگمی گروه ما بود.

در همین حال مسول گروه امدادگران سوئیس نیز که کار جستجو را از روز یکشنبه آغاز کرده بودند، تصریح کرد: ما تمام تلاش خود را به کار گرفتیم اما افسوس که زمان از دست رفته بود معطلی چندین ساعته در دو فرودگاه مهرآباد و کرمان، زمان طلایی را از گروه ما گرفت.

وی گفت: من تا آنجا که مشاهده کردم اکثر جسد‌ها سالم بودند و بر اثر خفگی از بین رفته بودند لذا مقداری از خاک بمر را به همراه خود خواهم برد تا پس از تجزیه و تحلیل آن بتوانیم به ترکیبات آن دست پیدا کنیم.

برخی از اعضای این گروه که تا 24 ساعت در فرودگاه کرمان معطل شده بودند از شدت ناراحتی و عصبانیت حاضر به صحبت کردن نبودند و با تاسف سر تکان می‌دادند.

به گزارش خبرنگار اعزامی ایلنا در حالی که بسیاری از کوچه‌های تنگ و باریک بمر دست نخورده باقی مانده است هیچ کس برای راهنمایی گروه‌های سرگردان امداد و نجات خارجی وجود ندارد.

معطلی گروه‌های نجات در فرودگاه بمر همه را کلافه کرده است. گروه‌های ترکیه، سوئیس، مجارستان، فرانسه اسپانیا، گرجستان و... روز نخست را در فرودگاه بمر بر روی باند فرودگاه سپری کردند و هیچ وسیله نقلیه‌ای برای انتقال آنها به شهر وجود نداشت.

سرپرست گروه امداد و نجات گرجستان عدم علامت گذاری نقاط شناسایی شده شهر را از دیگر مشکلات خواند و گفت: همین مساله زمان را از دست ما می‌گیرد و در برخی موارد ما مکان‌هایی را جستجو می‌کنیم که قبلاً شناسایی شده اند.

وی گفت: در چنین مواردی باید علامت‌های خاصی طراحی و ساخته شوند و محل‌های شناسایی شده علامت گذاری شوند. وی با ناراحتی افزود: ایرانی‌ها در علامت گذاری این نقاط ما را یاری نمی‌دهند.

گروه مستقر سازمان ملل در بمر که هماهنگی گروه‌های نجات خارجی را برعهده دارد نیز از عدم همکاری مسوولان ایرانی گله کرد و گفت: در حالی که زمان طلایی در روزهای نخست از دست می‌رفت، مسوولان با بی‌تفاوتی از کنار مساله می‌گذشتند و حاضر به دادن اطلاعات مفید و امکانات حمل و نقل نبودند.

مرثیه بم سروده شد و گروه های امداد نجات خارجی که به سرعت خود را از دورترین نقاط جهان به ایران رسانده بودند با افسوس و حسرت ایران را ترک کردند. امدادگران با حسرت به هم می نگریستند و با نگاه های خود اعلام می کردند: "اگر معطلی ها نبود، اگر راهنما در اختیار ما بود، اگر مترجم گروه را همراهی می کرد، اگر حمل و نقل به سادگی صورت می گرفت و اگر زمان از دست نمی رفت... همه این اما و اگرها در حالی مطرح می شود که خیل مشتاقان در سرتاسر ایران منتظر یک نوید بودند. اگر برای یک بار اعلام نیاز به مترجم از سوی رسانه های گروهی مطرح می شد، داستان بم به گونه ای دیگر سروده می شد و ... ای کاش سگ های زنده یاب پارس می کردند. پایان پیام

ناصر زرافشان در نامه ای از زندان اوین: شرمنده ام که نمی توانم همانند رفقایم به یاری هموطنان زلزله زده بشتابم

چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

ناصر زرافشان، وکیل مقتولان پرونده قتل های زنجیره ای در نامه ای از زندان، با اعلام همدردی خود با زلزله زدگان شهرستان بم، بر کمک و یاری به حادثه دیدگان تأکید کرد. به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، در قسمتی از این نامه که یک نسخه از آن به دفتر ایلنا ارسال شده، آمده است: اکنون اینجا که هستم دیگر هیچ چاره ای برای این بغض فروخته درگلو و این اندوه مصیبت زلزله که برهم میهنان شریف و محروم شهرستان بم وارد آمده است نمی یابم، شرمنده ام که نمی توانم همانند رفقایم به یاری هم وطنان زلزله زده بشتابم. زرافشان در نامه خود آورده است: از همین جا از مردم شریف و پرعاطفه ایران درخواست می کنم با همه توان، به این همدلی و همکاری شگفت انگیز در یاری رساندن به هم میهنان شهرستان بم ادامه دهند، حاصل این تلاش مایه ی بهروزی خلق و کاستن از آلام مصیبت دیدگان باشد. در قسمت دیگری از این نامه آمده است: به ویژه درخواست می کنم؛ داوطلبان با ستاد "یاری به کودکان و نوجوانان زلزله زده ی بم" که به گونه ای موثر و عملی وارد کارزار شده و می خواهد کودکان و نوجوانان بازمانده را که خود و خانواده شان همیشه طعم فقر و فلاکت و محرومیت را چشیده اند، از مخاطرات اجتماعی، جسمی و روانی برهاند، همکاری کنند و نیروی انسانی و تخصصی خود را در اختیار آنان بگذارند.

رویدادهای مهم بین المللی و منطقه ای موثر بر تحولات ایران

تعویق رای گیری درمورد قانون اساسی افغانستان

چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

تهدید بیش از صد نفر از نمایندگان حاضر در لویه جرگه به تحریم این مجلس، باعث اخلاص در رای گیری بر سر قانون اساسی آینده افغانستان شد. این نمایندگان در روز سه شنبه دیروز در کابل، در اعتراض به نظام ریاست جمهوری پیشنهادی در پیش نویس قانون اساسی، و روند مشاوره ها، از شرکت در جلسه ای برای توضیح شکل رای گیری امتناع کردند. دلیل برهان الدین ربانی رییس جمهور سابق افغانستان برای این امتناع این بود که «در لویه جرگه هیچ شفافیتی وجود ندارد». در این میان ارتش آمریکا نیز به عملیات نظامی وسیع خود در جنوب و جنوب شرقی افغانستان که از حدود ۲ سال پیش، یعنی از زمان سرنگونی طالبان آغاز شده بود، پایان داد. در حالی که بیشتر ۵۰۲ نماینده در گروه های مختلف اجازه دادند تا روند توضیح رای گیری شکل طبیعی خود را داشته باشد، بیش از ۱۰۰ نماینده به عنوان اعتراض، در برابر در ورودی محل اجلاس تحصن کردند. بیشتر این عده متعلق به فراکسیون های مختلف ارتش متحد شمال و همچنین گروه های ازبک و قوم هزاره بودند که خواهان یک مجلس نیرومند، و دولتی به رهبری نخست وزیر هستند که برقراری تعادل در برابر رییس جمهور را ایجاد نماید. مسئله ای که بیش از هر چیز مورد بحث و مناقشه است، حد اختیارات رییس جمهور در داشتن قدرت است. پیش نویس قانون اساسی که مورد حمایت حامد کرزای رییس جمهور کنونی افغانستان است، سیستمی را در نظر دارد که در آن الگوی آمریکایی قدرتمند رییس جمهور، با دو پارلمان رعایت شود. کرزای تصویب این سیستم را شرطی برای نامزد شدن مجدد خود برای احراز مقام ریاست جمهوری اعلام کرده است.

بر اساس گفته های ربانی، در پیش نویس قانون اساسی، نتایج حاصله از فعالیت های کمیسیون میانجیگری، در نظر گرفته نشده اند. ربانی به این نکته اشاره نمود که برخی از نمایندگان علائق شخصی را دنبال کرده و «اراده ملت را به بازی می گیرند». در این میان، «فرانچیز وندرل» نماینده اتحادیه اروپا و نمایندگان سازمان ملل متحد تلاش کردند تا بین دو جناح به میانجیگری بپردازند. پیش از این، ۱۶۰ ماده از پیش نویس قانون اساسی در فضایی متشنج مورد بحث قرار گرفته بود. طبق گفته های هیات رییس ی «لویه جرگه» در کابل، قابل تصور نبوده که چند ماده از قانون اساسی آینده افغانستان تصویب خواهد شد. همچنین، اینکه این اجلاس که در روز چهاردهم ماه جاری میلادی آغاز شد، تا چه هنگام به طول خواهد انجامید، مسئله ای ناروشن بوده است. البته دراصل برای این امر ۱۰

روز در نظر گرفته شده بوده است. هر روز، برای نهادهای بین المللی پی که مخارج این اجلاس را بر عهده گرفته اند، ۴۰ هزار یورو هزینه خواهد داشت. به خاطر جدالهایی که بر سر تصویب قانون اساسی آتی در گرفته است، بسیاری از افغانها «لویه جرگه» که به معنای مجلس کبیر است را «لویه جگره» یا «جنگ کبیر» نام نهاده اند.

مواضع رژیم و جناحهای آن در مورد مهمترین تحولات ایران

بهزاد نبوی، نسبت به برخی رد صلاحیتها در بعضی هیأت‌های اجرایی اعتراض کرد.
چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

بهزاد نبوی، در گفت و گویی با خبرنگاران خبرگزاری دانشجویان ایران و خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن تشکر و تقدیر از اکثریت قریب به اتفاق هیأت‌های اجرایی که بررسی صلاحیت‌های نامزدها را دقیقاً طبق مفاد قانون موجود انتخابات انجام داده‌اند و به وظایف قانونی خود عمل کردند؛ با انتقاد از آن چه عملکرد غیر قانونی برخی هیأت‌های اجرایی می‌خواند گفت: گزارش‌های نگران‌کننده‌ای نسبت به عملکرد غیرقانونی بعضی از هیأت‌های اجرایی به ما می‌رسد. از جمله هیأت‌های اجرایی تهران، اسدآباد همدان، ماهنشان زنجان، آبادان، نطنز و اهواز که گویا بر اساس گزارش‌های غیرمستند دریافتی از مراجع چهارگانه، صلاحیت چند نماینده پرتلاش و صالح مجلس، شخصیت‌های شناخته شده و اعضای بعضی از گروه‌های سیاسی را به طور غیرقانونی رد کرده‌اند، که امیدواریم تحت فشار این گزارش‌های غیرمستند ارسال نشده باشد. وی برخی از گزارش‌های مذکور ارائه شده از سوی مراجع چهارگانه را، گزارش‌ها کاملاً غیرمستند، غیر موجه و بدون ارتباط با قانون انتخابات دانست که به فرض صحت آنها هم، نمی‌تواند عامل رد صلاحیت باشد.

نایب رییس مجلس شورای اسلامی گفت: از این هیأت‌ها، مصرانه می‌خواهیم که در کار خود تجدید نظر کنند ولو زمان قانونی سر رسیده باشد و یا فرصت قانونی نداشته باشند و حتی اگر تجدید نظرشان منشا اثر قانونی نباشد، حداقل این لکه‌ی نامطلوب بر دامان هیأت‌های اجرایی ننشیند که به طور غیرقانونی صلاحیت‌های افراد را رد می‌کنند، تا از تأثیر این اقدام بر کاهش مشارکت مردم در انتخابات مجلس کاسته شود و این موضع قاطع هیأت‌های اجرایی، در تأیید انتخابات سالم و آزاد تأیید شود. نبوی همچنین خواستار آن شد که وزارت کشور و مسؤولین عالی‌رتبه هر چه زودتر با این موارد برخورد کنند و اگر نتوانستند اصلاح کنند، حداقل موضع‌گیری نمایند. وی در توضیح بیشتر گفت: به قرار اطلاع چهار نماینده‌ی مجلس فعلی از طرف هیأت‌های اجرایی بدون کوچکترین مستندی رد شده‌اند و یا اگر مستندات دارند این مستندات طبق قانون، عامل رد صلاحیت نیستند. عده‌ای از شخصیت‌ها از احزاب و گروه‌های سیاسی را هم رد کرده‌اند به دلایلی که به موجب قانون، باعث رد صلاحیت نخواهد بود.

دیدگاه‌های نیروهای سیاسی در مورد شرایط کنونی ایران

توطئه‌های تروریستی و جاسوسی رژیم آخوندی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق
سازمان مجاهدین خلق ایران - 8 دی 1382

دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران بار دیگر با اعزام شماری از مأموران و جاسوسان وزارت اطلاعات به عراق تحت عنوان خانواده مجاهدین، مذبوحانه تلاش کرد چنین قلمداد کند که مجاهدین فرزندان آنها را بزور و برخلاف میل خودشان در عراق نگهداشته‌اند. در همین رابطه شب و روز گذشته (7 دی ماه) رادیو و تلویزیون و مطبوعات رژیم آخوندی در یک رشته اخبار کلیشه‌ای اعلام کردند: «جمعی از خانواده‌های ایرانی با اجتماع در برابر دفتر سازمان ملل در بغداد، نجات فرزندان خود از دست مجاهدین را خواستار شدند».

همزمان صبح دیروز یک اکیپ از مأموران وزارت اطلاعات با مراجعه به قرارگاه اشرف مدعی شدند که برای تحقیق در مورد «زندانیان» مجاهدین در این قرارگاه آمده‌اند! اما در مواجهه با چک هویت و سئوالاتی در مورد فعالیت‌هایشان، «تحقیق» را فراموش کرده و شتابزده فرار را بر قرار ترجیح دادند. ساعتی بعد یک اکیپ دیگر از مأموران و جاسوسان وزارت اطلاعات با اتوبوس به قرارگاه اشرف آمده و مدعی شدند که خانواده‌های اعضای مجاهدین را با خود آورده‌اند. این مزدوران هم پس از اندکی تحقیق در مورد هویتشان بدون این که موفق به اجرای طرح خود شوند مدت کمی بعد به بغداد بازگشتند.

این اقدامات بخشی از جنگ روانی گسترده‌ای است که فاشیسم مذهبی حاکم همزمان با زدو بند و دسیسه‌چینی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران است، بخصوص که درخواست‌های مکرر رژیم آخوندی و شخص خاتمی از آمریکا برای استرداد مجاهدین، با انزجار و محکومیت گسترده جهانی مواجه شده است و حالا رژیم با براه انداختن این شعبده‌سازی بیهوده تلاش می‌کند افرادی را که خواستار تحویل گرفتنشان بوده است، همان کسانی قلمداد کند که در عراق بزور نگهداری می‌شوند.

این دعاوی آن اندازه مضحک است که هیچ ارزشی برای پاسخگویی ندارد. همگان می دانند که مجاهدین يك جنبش تماما داوطلب است که هیچکس برخلاف میل خود نه وارد آن شده و نه در آن نگهداری می شود. کما اینکه مجاهدین از دیدار همه خانواده ها و هموطنان خود بدور از چشم مأموران وزارت اطلاعات قویا استقبال می کنند.

طرح این دعاوی 9 ماه پس از سقوط حکومت سابق عراق، در حالیکه امروز نیروهای ائتلاف و بویژه نیروهای آمریکای کنترل همه امور را در دست دارند و در شرایطی که قرارگاه اشرف مورد بازدید دهها هزار نفر از شیوخ عشایر، روشنفکران و شهروندان عراق و همچنین نمایندگان نیروهای ائتلاف قرار گرفته است، هذیان گویی های رژیم است که هرگز از دست مردم ایران و فرزندان مجاهد و مبارز آنان خلاصی نخواهد یافت.

سه روز قبل از اعزام مزدوران به قرارگاه اشرف (پنجشنبه 4دی) تروریستهای رژیم آخوندی به روی هزاران تن از مردم شریف عراق که در میدان فردوس بغداد در حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران دست به تظاهرات زده بودند آتش گشودند. سازمان مجاهدین خلق ایران بار دیگر توجه مراجع و سازمانهای ذربط بین المللی را به تشبثات و توطئه های دیکتاتوری تروریستی حاکم بر ایران علیه مجاهدین در خاک عراق و علیه خانواده های شان در ایران که از بارزترین مصادیق نقض حقوق بشر است جلب می کند و از آنها می خواهد تا رژیم ضدبشری آخوندی را وادار سازند، به هزاران هزار تن از اعضای خانواده های مجاهدین اجازه دهد آزادانه و به دور از نظارت شکنجه گران و دژخیمان اطلاعات آخوندی برای زیارت عتبات عالیات و دیدار عزیزانشان راهی عراق شوند.

سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ایران

اعتراض انجمن مطالعات خاورمیانه در آمریکای شمالی به محکومیت شماری از مولفان، منتقدان و ناشران در جمهوری اسلامی

لیلی آرمان (رادبوفردا): چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

مسا (Mesa: Middle East Studies Association of North America)، انجمن مطالعات خاورمیانه در آمریکای شمالی، به محکومیت شماری از مولفان، منتقدان و ناشران ایرانی به زندان قویا اعتراض کرده است. مسا در نامه ای خطاب به آیت الله علی خامنه ای، رهبر و محمد جواد ظریف، نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، نگرانی عمیق خود را از محکومیت این عده ابراز کرده است. این انجمن می گوید: رونوشت این نامه را برای محمد خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی نیز فرستاده ایم، اما هنوز پاسخی نگرفته ایم.

نیما تمدن (رادبوفردا): ملیحه مغازه ای، مترجم، جعفر همایی، ناشر، بنفشه سام گیس، منتقد ادبی، و مجید صیادی، مدیر فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محور نگرانی های مسا یا انجمن مطالعات خاورمیانه در آمریکای شمالی هستند. مسا می نویسد: افراد یاد شده بر پایه رای دادگاه به جرم توهین به شخص پیامبر اسلام و نادیده گرفتن مقدسات اسلامی و نیز به جرم انتشار متون جعلی و اهانت آمیز، محکوم به زندان هستند. مسا تاکید می کند که این انجمن که نزدیک به سه هزار پژوهشگر و استاد دانشگاه در آن عضو هستند، در پی بررسی افراد یاد شده، دریافت است که اتهامات وارد شده به آنها یکسره بی پایه است.

مسا در همین نامه می افزاید: پرونده جنایی تشکیل شده برای بنفشه سام گیس، ریشه در نقدی دارد که او در روزنامه ایران برای کتاب «زنان موسیقی ایران، از اسطوره تا امروز» نوشته است. دادگاه جنایی در تهران، خانم سام گیس را متهم به بهره گیری از منابع غیر علمی و بی اعتبار کرده و در نتیجه، مایه ناخرسندی عمیق علمای بلندپایه روحانی شده است. به حکم دادگاه بنفشه سام گیس با این یادآوری که پیامبر اسلام به شنیدن موسیقی زنان نوازنده علاقه داشته و زنان موسیقیدان در سراسر تاریخ اسلام هنرنمایی کرده است، راه خطا رفته است.

از سوی دیگر، به نوشته مسا، اتهامات ایراد شده به ملیحه مغازه ای، مترجم، جعفر همایی، ناشر، و مجید صیادی، یکی از مسئولان بلندپایه وزارت ارشاد، به انتشار کتاب «زنان پرده نشین و مردان جوشن پوش»، نوشته فاطمه مرمیسی، جامعه شناس مغربی مربوط می شود. خانم مغازه ای به حکم دادگاه جنایی تهران با ترجمه این کتاب که بیشتر آن با علم و عمد سیمای اسلام را مخدوش می کند و با سوء تفسیر آیات قرآنی همراه است، مجرم شناخته شده است. خانم مغازه ای، مترجم و مجید صیادی، صادر کننده مجوز انتشار زنان پرده نشین و مردان جوشن پوش، به یک سال زندان و جعفر همایی، ناشر همین کتاب، به یک سال و نیم زندان محکوم شده اند.

مسا سپس می نویسد: صدور چنین احکامی یادآور تاریک ترین و سیاه ترین لحظات قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی و اوج تفتیش عقاید در اروپا است. مسا در پایان از رهبر و رئیس جمهوری و نیز از رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی خواسته است تا فوراً به پرونده های یاد شده مجدداً رسیدگی شود، وگرنه احترام و آبروی جمهوری اسلامی آسیب های بیشتری در مجامع جهانی خواهد خورد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول هفته نامه «فکر روز» به دنبال دریافت احضاریه ای، به دادگاه مطبوعات احضار شد.

چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

مرحانه سخاوتی در تماس با خبرنگاری دانشجویان ایران (ایسنا) با اعلام این خبر، گفت: در احضاریه‌ای که امروز به دستم رسید، آمده است که باید برای ادای توضیحات بیشتر در خصوص این نشریه روز شنبه به شعبه‌ی 1083 دادگاه عمومی تهران مراجعه کنم. وی با بیان این که نمی‌داند این احضار پیرو دادگاه قبلی این نشریه بوده یا موضوع جدیدی است، یادآور شد که «فکر روز» حدود دو ماه است که به صورت گاه‌نامه منتشر می‌شود. صاحب امتیاز و مدیرمسئول این هفته‌نامه متذکر شد: چند ماه گذشته به دلیل چاپ عکس يك زن موتورسوار به دادگاه احضار شدم اما پرونده مفتوح ماند. انتهای پیام

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

دو تن در درگیری فرقه ای در کرکوک کشته شدند

بی بی سی - چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

دست کم دو تن در تظاهراتی که عرب‌ها و ترکمنها در آن شرکت داشتند، در شهر کرکوک در شمال عراق کشته شده‌اند. این درگیری 25 زخمی به جا گذاشت. با این حال هنوز مشخص نیست چه کسی تظاهرکنندگان را به گلوله بسته است. این تظاهرات در مخالفت با خواست کردها برای گنجاندن شهر نفتخیز کرکوک در یک منطقه خودمختار در چهارچوب یک حکومت فدرال در عراق صورت گرفته بود. این تظاهرات بیرون مقر گروه اتحادیه میهنی کردستان برپا شده بود. پلیس، پیشمرگه‌های مسلح کرد را به انجام تیراندازی متهم کرده است. اما یک مقام کرد می‌گوید افراد مسلحی در میان جمعیت بودند. شاهدان دیگر، پلیس را به تیراندازی متهم کرده‌اند. گفته می‌شود تانکهای آمریکایی برای برقراری امنیت وارد شهر شده‌اند. در همین حال، در بغداد، انفجار بمبی که برای انهدام یک ستون خودروی آمریکایی کار گذاشته شده بود، باعث قتل یک کودک شد.

تغییر ناظران آمریکا بر واردات نفت عراق

بی بی سی - چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

وزارت دفاع آمریکا تغییراتی را در نحوه اداره و سرپرستی واردات نفت عراق اعلام کرده است. براساس تصمیم جدید وزارت دفاع، لشکر مهندسی نیروی زمینی که تاکنون بر جریان واردات نفت عراق نظارت داشته از این مسوولیت برکنار شده و به جای آن، یک واحد تخصصی ارتشی در امور انرژی این مسوولیت را برعهده گرفته است. از این پس، واردات نفت عراق تحت نظارت و سرپرستی مرکز دفاعی پشتیبانی انرژی قرار خواهد داشت. پنتاگون - وزارت دفاع آمریکا - در بیانیه خود تاکید داشته است که تغییر در مدیریت واردات نفت عراق با شایعات مربوط به امضای قراردادهای لشکر مهندسی نیروی زمینی با مقاطعه کاران خارجی برای واردات نفت ارتباطی ندارد. اخیراً یک گزارش رسمی در ایالات متحده به این مساله پرداخت که ممکن است یکی از شرکت‌های طرف قراردادهای واردات نفت عراق بهایی را حساب کرده باشد که رقابتی نبوده است. شرکت مورد نظر کی بی آر نام دارد و وابسته به شرکت بزرگ هالیبرتون است. این شرکت با دولت جرج بوش، رییس جمهوری آمریکا، ارتباط نزدیکی دارد و قرارداد اخیر را بدون برگزاری مناقصه دریافت کرده بود. سازمان جدید مسوول واردات نفت عراق گفته است که برای عقد قراردادهایی در این زمینه می‌کوشد قیمت‌های رقابتی را به دست آورد.

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه‌های جمعی

روزنامه‌های تهران: 10 دی

بی بی سی - چهارشنبه 10 دی 1382 - 31 دسامبر 2003

روزنامه‌های چهارشنبه تهران عنوان‌های اصلی خود را به انعکاس نظرات رییس جمهور خاتمی داده‌اند که بعد از بازدید از مناطق زلزله زده از فعالیت‌ها و تصمیم‌های دولت سخن گفته است. **پاس نو** در سرمقاله خود با عنوان خودآگاهی بم نوشته‌ایم که امروز مرکز اندوه و غم ایران و جهان است، می‌تواند مرکز تجربه اندوزی هم باشد و به این ترتیب شاید بتوان از هزینه‌های این غم بزرگ کاست.

سعید رضوی فقیه با عنوان «این جا بم است ارگ تمدن ها» در **یاس نو** نوشته زلزله دومی که با وقوع زلزله در بم اتفاق افتاد هجوم بی امان امدادگران و نمایش عزمی ملی بود. به نظر نویسنده مقاله **یاس نو** واکنش های مردمی و جهانی نشان داد که بم در تنهائی نمانده و از یادها نرفته است.

جعفر گلابی در مقاله ای در **اعتماد** نوشته به نظر می رسد هنوز مسوولان کشور و جناح های مختلف نیاز به هماهنگی و ایجاد نهادی مناسبیت برای مقابله با حوادث ناگهانی را درک نکرده اند. نویسنده **اعتماد** تاکید کرده است در این میان بیش از هر کس دیگر انتظار اصلی متوجه اصلاح طلبان است که اولاً برخاسته از متن مردمند و ثانیاً حداقل برای اینکه تعهد و وقت شناسی و روشننگری و تشخیص درست خود را به جامعه اثبات نمایند در این راه پیشقدم شوند و تا ایران برجا است از خود نام نیکی به یادگار بگذارند.

برای دومین روز پی در پی روزنامه های تهران از تغییر در مناسبات ایران و آمریکا گفته و به پیام های مسوولان آمریکائی به مناسبت زلزله بم اشاره کرده اند.

اعتماد در گزارشی با عنوان آمریکائی ها چرا آمدند، از واکنش های مقامات ایرانی به گفته همتایان آمریکائی خود خبر داده و آن را نشانه ای بر آب شدن یخ های بی اعتمادی بین دو کشور دانسته است. **شرق** در صدر اخبار خود در گزارشی از گفتگوها و پیام های مقامات ایرانی و آمریکائی، آن را زلزله ای سیاسی خوانده است که به دنبال زلزله بم اتفاق افتاده است.

آفتاب یزد عکسی را به چاپ رسانده که یک افسر آمریکائی را در کنار هوای نظامی آمریکائی در فرودگاه بم نشان می دهد.

سردبیر **آفتاب یزد** در سرمقاله این روزنامه با اشاره به حضور امدادگران آمریکائی در بم و استقبال حکومت از آن ها نوشته تسامحی که امروز با وقوع زلزله نسبت به حضور خارجی ها اعمال می شود اگر در گذشته در زمینه های اقتصادی و جهانگردی و سرمایه گذاری خارجی دیده می شد وضعیت کشور متفاوت بود.

سرمقاله **آفتاب یزد** با اشاره به جنجالی که محافظه کاران چهارسال پیش بر سر سفر جهانگردان آمریکائی به تهران برپا کردند و برای توجیه کار خود جهانگردان را جاسوس نام نهادند، نوشته شرایط بحرانی بهترین زمان برای جاسوسان است پس شایسته تر آن است که روش های خود را تغییر بدهند و **اعتماد** مردم را به دست آورد.

شرق در سرمقاله خود به بررسی اثر زلزله بم در رفتار سیاستمداران پرداخته و نوشته اقلیت محافظه کار چون قراقرس رییس جمهور بعدی را انتخاب کند و به رای مردم نیاز دارد فرصت را غنیمت شمرده و وارد صحنه بم شده تا نشان دهد که بر خلاف اصلاح طلبان، اهل عمل است.

به نوشته محمد قوچانی در **شرق** سیاستمداران جناح اکثریت هم با آن که ادعا می کنند نیازی به رای مردم ندارند ولی مشتاقانه برای محبوب شدن وارد صحنه شده اند. در اوپوزیسیون خارج از کشور هم زلزله باعث انباشت انرژی های نهفته و نیروهای سرکوب شده آنها شده است.

مرضی کاظمیان در مقاله ای در **یاس نو** با اشاره به شرکت همه مردم در عملیات امداد و نجات زلزله نوشته ایران را باید با همین الگو ساخت نه چنان که اقتدارگرایان می خواهند با عده ای معدود.

نویسنده مقاله **یاس نو** تاکید کرده که بازسازی کشور کمتر از بازسازی بم نیست و نیاز به فعالیت مشترک همه نیروهای جامعه ندارد و فقط کسانی که به منافع خود بیش از منافع ملی اهمیت می دهند از مشارکت همه مردم در بازسازی کشور جلوگیری می کنند.

کیهان در سرمقاله خود وضعیت امدادهای مردمی زلزله را با عملیات زلزله طبرس مقایسه کرده و نتیجه گرفته که در آن زمان چون مردم با رژیم سلطنتی نزدیک نبودند کمک های خود را به دولت نمی سپردند.

حسین صفارهرندی در سرمقاله **کیهان** نوشته در زلزله طبرس از هر محله، کاروانی راه می افتاد با چند کامیون بار و پیشاپیش آن مردی که لباس پیامبر بر تن داشت اما امروز چادرهای دولتی مملو از کمک مردم، شکوه پیوند ملت و حکومت را در قاب چشمان مردم داخل و خارج به زیبایی هرچه تمامتر جلوه گر کرده است.

به دنبال تهدید مهدی کروبی به استعفای مدیران اجرائی نزدیک به مجمع روحانیون مبارز در صورت رد صلاحیت گسترده نامزدهای نمایندگی مجلس توسط شورای نگهبان، **انتخاب** در مقاله ای به انتقاد از رییس مجلس پرداخته و آن را خلاف مصلحت اندیشی خوانده است.

علی شکوهی نویسنده **انتخاب** در عین حال تهدید رییس مجلس را سنگی بزرگ دانسته که نشانه نزدن است.

هفته گذشته مهدی کروبی برای اولین بار از احتمال استعفای مقامات اجرائی و دولتی سخن گفت. تا کنون بارها اصلاح طلبان طرح استعفای نمایندگان مجلس را پیش کشیده بودند که آن هم به عمل نزدیک نشد.

یک روز پس از آن که روزنامه **کیهان** خبر داده که اعضای نهضت آزادی توسط وزارت کشور برای نامزدی انتخابات مجلس رد صلاحیت شده اند، به نوشته **آفتاب یزد** وزات کشور اعلام کرده است که هیچ کس تا کنون در تهران به طور قطعی رد صلاحیت نشده است.

به نوشته **انتخاب** یک نماینده اقلیت محافظه کار مجلس گفته است شورای نگهبان صد نفر از نمایندگان فعلی مجلس را که از جناح اصلاح طلب هستند رد صلاحیت می کند.